

# گزارش قتل رزم آرا (۲)

## كاوش در يك شبهه

در بازگویی ماجرای اعدام انقلابی رزم آرا، شبهه‌ای قابل تأمل برای نیل به اهدافی خاص مطرح شده است.

این شبهه که بر انگاره‌های تردید برانگیزی مبتنی است، طرح و اجرای این حرکت را به جناحهایی از هیئت حاکمه، بویژه دربار، منتسب می‌کند و نقش فدائیان اسلام و شهید طهماسبی را تنها یک پوشش ظاهری می‌بیند.

شبهه مذکور در پی القاء این مطلب است که رقبای رزم آرا و مشخصاً دربار با نقشه‌ای حساب شده یکی از محافظین رزم آرا را مأمور قتل وی نموده و برای آشکار نشدن این موضع طی تماس قبلی با فدائیان اسلام، خلیل طهماسبیان را نیز را وارد ماجرا کرده‌اند.

لکن مجموعه قرائن و مفاد پرونده «قتل رزم آرا»، شبهه مزبور را بی‌مورد و مردود نشان می‌دهد، لذا باید این فرضیه نادرست و تحریف تاریخی را صرفاً ناشی از تروشات ذهنی مغز مرعوبین و وابستگان به غرب بحساب آورد. زیرا اینگونه افراد هستند که بجای روی آوردن به حقایق و پذیرش نیروی جوشان توده مردم مسلمان، سرنخ فعل و انفعالات عمده

سیاسی اجتماعی را در دست ابرقدرتها و عوامل وابسته به آنان جستجو می کنند.

اینک برای اثبات بی اساس بودن این شبهه نخست نظری کوتاه به رابطه دربار با غرب به ویژه انگلستان می افکنیم تا ببینیم اصولاً آیا تضاد و رقابتی بین دربار و رزم آرا متصور است که دربار، آنهم بدون اجازه اربابان انگلیسی خود نقشه قتل رزم آرا را طراحی و اجرا نمایند و سپس با تکیه بر اسناد و مدارک موجود به نقد انگاره های شبهه مذکور خواهیم پرداخت. هر چند وابستگی شاه مخلوع به غرب از بدیهیات تاریخی و خود نیز معترف به این دست نشانده گی بوده است، لکن برای نشان دادن عمق این سرسپردگی و اثبات همسویی وی با رزم آرا در پشتیبانی از شرکت نفت انگلیس در تداوم غارت منابع نفتی، به عنوان نمونه؛ به قسمتی از نوشته روزنامه فرانسوی «تریبون روناسیون» که در پی سفر سال ۱۳۲۷ شاه به لندن نگاشته شده است، اشاره می کنیم.

«... در لندن راجع به دارائی پدر شاه که در بانک انگلستان توقیف شده است نیز گفتگو بود، انگلیس ها موافقت کردند که مخفیانه قسمتی از این دارائی، از توقیف خارج شود و در عوض امتیاز بانک شاهنشاهی در ایران تجدید گردد، [،] زیرا برای شرکت نفت انگلیس و ایران مشکل است بدون وجود یک بانک انگلیسی که از وی حمایت کند به کار خود ادامه دهد. از طرف دیگر انگلیسها موافقتند بشاه کمک کنند تا بوسیله ثروتش بتواند دوباره رژیم گذشته را برقرار کند...

مسلم است که آنچه را شاه راجع بخودش و برادرش ... آرزو می کرد از لندن بدست آورده است. اما در عوض چه داده است؟ نفت! بدون شک

نفت و وسیله این مبادله بوده است.<sup>۱</sup>

سرسپردگی شاه مخلوع به انگلستان تا آن حد است که پس از به هلاکت رسیدن رزم آرا علی رغم جو شدیداً ضد انگلیسی و استقلال طلبانه ای که در پی تصویب ملی شدن صنعت نفت در کشور حاکم است، وی بلافاصله مهره سرشناس دیگر انگلیس یعنی «علاء» را که عامل

۱. گذشته چراغ راه آینده است، ص ۴۶۳ به نقل از قیام ایران.



عقد قرارداد ۱۳۱۲ است آنهم بدون کسب رأی از مجلس به نخست وزیری می گمارد بنابراین چگونه پذیرفتنی است درباری که این چنین وابسته به انگلیس است بخواهد یا بتواند اقدام به حذف آخرین پایگاه مدافع استمرار غارت منابع نفتی کند\*.

ضمن آنکه اسناد موجود دلالت بر گفتگوهای مکرر رزم آرا با شاه، در مواجهه با فضای سیاسی زمستان ۲۹ آنهم طبق اطلاع و رهنمودهای شرکت نفت انگلیس دارد.<sup>۱</sup>

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده ۷۰۳/۱۵۶، ص ۱۱۸۶.

اما اگر گفته شود که اختلاف دربار و رزم آرا ناشی از حضور گسترده تر آمریکا در صحنه سیاست ایران و پشتیبانی این کشور از دربار در برخورد با رزم آرا بوده است، این نیز، مغایر با مواضع صریح آمریکا در آن مقطع تاریخی است.

در ابتدای نخست وزیری رزم آرا مطبوعات آمریکایی در تأیید و تمجید از وی چنین نوشتند:

«... اکنون دانسته شده است که جز رئیس ستاد ارتش کس دیگری نخواهد توانست ایران را از این وضع فلاکت بار نجات بخشد...»

در این نکته شکی نیست که اگر اوضاع ایجاب کند رزم آرا لایق آن است که برای جلوگیری از متلاشی شدن و تجزیه حکومت ایران حکومت دیکتاتوری برقرار کند...<sup>۲</sup>.

۲. باختر امروز شماره ۲۷۹ مورخ ۱۸ تیر ۱۳۲۹ به نقل از نیویورک تایمز، گذشته چراغ راه آینده است، ص، ۴۹۸.

پس از کشته شدن رزم آرا و تصویب ماده واحده ملی شدن صنعت نفت نیز آمریکائیهایی انتشار یک بیانیه رسمی به این شکل با جانبداری از انگلستان، مخالفت خود را با جریان ملی کردن صنعت نفت اعلام می دارند:

«... شرکتهای آمریکایی... بدولت آمریکا اظهار داشته اند که نظر

\* میزان حمایت انگلستان از رزم آرا در تفسیری که پس از قتل وی بوسیله رادیو لندن پخش گردید اینچنین مشهود است:

۳. نوید آینده شماره ۲۷ - ۲۹/۱۲/۱۸ تفسیر اخبار، یا «گذشته، چراغ راه آینده است»، ص، ۵۱۲.

«... برین وزیر امور خارجه انگلستان بمحض اینکه این خبر را شنید بیامی بوزیر خارجه ایران فرستاد دایر بر اینکه خود و همکارانش در انگلستان از این واقعه سخت متأسف و متحیرند...»<sup>۳</sup>

باقدام یک جانبه دولت ایران بر ضد شرکت انگلیسی، مایل نیستند که بهره برداری از معادن نفت ایران را بعهده بگیرند.

علاوه بر این متخصصین نفت چه از لحاظ کفایت و چه از نظر تعدادی که لازم است بجای متخصصینی که اکنون در ایران مشغول هستند گمارده شوند، بعلت کمیابی متخصص در رشته مخصوص نه در آمریکا و نه در کشورهای دیگر عقیده ممالک متحده آمریکا بر این است که ایران و انگلیس دارای اشتراك منافعى چنان قوی هستند[!] که باید از طریق مذاکرات دوستانه راه حلی بیابند (و خواهند یافت) تا دوباره روابطی را برقرار سازند که براساس آن هر یک از طرفین نقش کامل خود را در نیل به آن هدف مشترك بخوبی ایفا نمایند...<sup>۱</sup>.

بنابراین مشاهده می کنیم که آمریکا نیز همچون همقطاران انگلیسی خود خواهان استمرار غارت منابع نفتی و مخالف جدی ملی شدن صنعت نفت بوده است. و لزوماً نه تنها مخالفتی با رزم آرا نداشته، بلکه همچنانکه از روزنامه نیویورک تایمز نقل گردید او را تنها فردی بحساب می آورده اند که شاید بتواند در مقابل حرکت مردمی ملی کردن صنعت نفت مقاومت نماید. پس از نظر شرایط سیاسی این نظریه که آمریکا دربار را تحریک به مقابله و حذف رزم آرا نموده باشد نیز مردود است.

اکنون پس از ترسیم مختصر شرایط سیاسی آن دوران و آشکار شدن فقدان دلیل موجه سیاسی در مقابله دربار با رزم آرا، به سراغ اسناد و مدارک مورد استناد شبهه پردازان می رویم تا ببینیم قضاوت اسناد در این خصوص چیست؟

ابتدا ببینیم شبهه قتل رزم آرا به دست محافظین وی بر چه انگاره هایی مبتنی است؟ و سپس ببینیم اسناد و شواهد، نادرستی یا سستی این انگاره ها را چگونه بر ملا میسازند؟

عمده فرضیاتی که شبهه مذکور بر پایه آنها استوار گردیده است\*، در

۱. اطلاعات شماره ۷۵۲۱ مورخه ۳۰/۲/۲۸ - بیانیه آمریکا، گذشته چراغ راه آینده است، ص ۵۴۳.

\* جامع انگاره های شبهه انتساب قتل رزم آرا به محافظین وی در کتابی بنام «اسرار قتل رزم آرا، تالیف محمد ترکمان» گردآوری شده است. هر چند ارائه اسناد متعدد در این کتاب و زحمت



موارد ذیل تفکیک پذیرند:

۱. نقل اظهار نظر افراد قابل وثوقی همچون آیه‌ا ... کاشانی در تأیید شبهه مذکور.
  ۲. تشکیک در انطباق گلوله‌های شلیک شده با اسلحه خلیل طهماسبی.
  ۳. طرح شواهدی دالّ بر دست داشتن افراد مرتبط با دربار در اجرای نقشه قتل.
  ۴. مشاهده پاره‌ای ضد و نقیض گویی‌ها در بازجویی از محافظین رزم‌آرا و دیگر مأمورین حاضر در صحنه.
- اینک بر مبنای اسناد و مدارک حاضر به یاری خداوند تبارک و تعالی به ارزیابی صحت و سقم انگاره‌های مذکور می‌پردازیم.

۱. نخستین انگاره در اثبات شبهه مورد بحث، استناد به گفته برخی از شخصیت‌های سرشناس سیاسی آگاه و مرتبط با موضوع مانند مرحوم آیه‌ا ... کاشانی و مظفر بقائی است.<sup>۱</sup>
- که در این میان اظهار نظر آیه‌ا ... کاشانی به علت شخصیت ویژه اش و تماس نزدیک وی با خلیل طهماسبی از حساسیت خاصی برخوردار است.

۱. اسرار قتل رزم‌آرا، ص ۳۰.

دستیابی به آنها نشانه تلاش، کنجکاو و جستجوگری است، لکن متدرجات کتاب علاوه بر القاء شبهه مذکور و نپرداختن به بازجویی‌های اکثر افرادی که در ارتباط با خلیل طهماسبیان دستگیر شده‌اند، حاوی اندیشه سیاسی بس خطرناک و انحرافی نیز، تحت عنوان «اجرای سیاست نابودی نیروها» (در صفحه ۱۷ تا ۲۰) است.

در این اظهار نظر شگفت‌انگیز که نافی تمامی ارزشهای اسلامی انسانی است همه زمامداران و افراد سرشناس صحنه سیاسی اجتماعی معاصر ایران که دچار قتل، تبعید، حبس و ... شده‌اند سرمایه‌های انسانی ارزشمند! لقب گرفته‌اند. و بر فقدان همه آنها تأسف خورده شده است! یعنی شهادت، آزار، شکنجه و حبس انقلابیون آگاه، متعهد و صادقی همچون شهید مدرس، شهید نواب صفوی، آیه‌ا ... کاشانی و نظایر آنها هم‌ردیف با برکناری، قتل و یا حذف ستم‌پیشگان و سرسپردگانی چون شاهان قاجار و پهلوی و وزراء و کارپردازان آنها به حساب آمده است!

این بیان غیرمنصفانه ناقض مسلم‌ترین فطریات که رغبت به نیکها و نفرت از بدیها است، می‌باشد. که مگر نظیر آنرا در عقیده افرادی مانند خوارج که در مورد امام حق و مظهر کمال یعنی امام علی بن ابیطالب (علیه السلام) و مظهر نیرنگ و ستم یعنی معاویه (علیه العنه) یکسان برخورد می‌کردند بتوان جستجو کرد.

بدیهی است این نظریه خلاف دو اصل مسلم «تولی و تبری» و مغایر آیات کریمه‌ای همچون «قل لا یتسوی الخبیث و الطیب و لو اعجبک کثرة الخبیث ...» مانده، ۱۰۰.

دلیل عمده مدعیان در انتساب این موضوع به آیه ا... کاشانی متن بازجوئیهای ایشان در پی سوء قصد نافرجام فدائیان اسلام به «علاء» است.

بخشی از متن مزبور چنین است

۱. بازجوئی از آیه ا... کاشانی

ساعت ۱۷/۳۰ روز ۱۰/۲۷/۱۳۳۴

«... س - بنظر شما چه کسی مباشر قتل رزم آرا بود؟

ج - [۱] من نمیدانم قاتل او چه کسی بود [،] ولی از قراریکه پرونده خلیل حکایت می کند او قاتل نبوده آن ... برای افتخاربریش گرفته [۲]

[امضاء] کاشانی ۱.

۱. همان، ص ۴۲۱.

۲. ششمین جلسه بازجوئی از آیه ا... کاشانی در اداره دادرسی ارتش

ساعت ۱۵/۱۸ الی ۲۲/۴۵ روز ۷/۱۱/۳۴

...

س - قاتل چه کسی بوده [۳] منظور قاتل سپهبد رزم آراء است.

ج - قبلاً هم مکرر نوشته ام نمی دانم کیست، ولی برحسب پرونده

قاتل، خلیل نیست. ۲. [امضا]

۲. همان، ص ۴۲۲.

ابوالقاسم کاشانی

اما آیا این پاسخهای ظریف و حساب شده آن هم در شرایط حاد بازجوئی و در هنگامه به شهادت رسیدن ۴ تن از رهبران فدائیان اسلام (سحرگاه ۲۷ دی ۳۴) بدست رژیم، و نیز بدون مقایسه این گفته ها با بیانات صریح و متعدد دیگری که صراحتاً مخالف این نوع برداشت است می توان شبیه فوق را مورد تأیید آیه ا... کاشانی دانست؟ بدیهی است که چنین نگرشی خلاف انصاف و روح حقیقت جوئی است، بنابراین برای بررسی و نقد این انگاره به نقل چند اظهارنظر صریح آیه ا... کاشانی که پس از اعدام رزم آرا و به دور از جو خفقان و ارباب ایراد شده است می پردازیم.

۱. ۱۳۲۹/۱۲/۱۷ (یکروز پس از اعدام رزم آرا)

«آیه ا... کاشانی طی یک مصاحبه با خبرنگاران خارجی قتل رزم آرا را



۱. روز شمار تاریخ ایران،  
باقر عاقلی، ص ۴۴۱.

واجب دانست و خلیل طهماسبی را منجی ملت ایران معرفی کرد.<sup>۱</sup>

۲. قسمتی از یک مصاحبه دیگر در باره همین موضوع:

س - جنابعالی راجع به این عملی که نسبت به نخست وزیر شد و این گلوله ای که او را به قتل رسانید چگونه قضاوت می کنید و چه نظری دارید؟

ج - این عمل بِنفع ملت ایران بود و این گلوله و ضربه عالیترین و مفیدترین ضربه ای بود که به پیکر استعمار و دشمنان ایران وارد آمد.

س - جنابعالی در باره قاتل نخست وزیر چگونه فکر می کنید و بنظر آنجناب با قاتل رزم آرا چه باید کرد؟

ج - قاتل رزم آرا باید آزاد شود زیرا این اقدام او در راه خدمت بملت

ایران و برادران مسلمانش عملی شده است و چون در حکومت ملی

قضاوت افکار عمومی محترم است و رزم آرا را افکار عمومی ملت ایران

محکوم کرده است در حقیقت حکم اعدام را افکار عمومی ملت ایران

صادر کرده است و شما میدانید که هیئت حاکمه و قوانین اجتماعی

هر کشور مولود افکار عمومی مردم آن کشور می باشد و خلیل طهماسبی

مجری اراده قاطبه ملت ایران بوده است.

۳. قسمتی دیگر از یکی از مصاحبه های آیه ا... کاشانی<sup>۲</sup>

«... نخست وزیر مقتول در زمان حیات خود از منافع شرکت نفت

جنوب و سیاست استعماری انگلستان بشدت حمایت می کرد.

چون عموم طبقات مردم ایران با تصمیم قطعی و خلل ناپذیری برای

کوتاه کردن دست طمع سیاست استعماری شرکت نفت جنوب قیام کرده

بودند، پافشاری رزم آرا برای مقاومت در مقابل افکار عمومی ملت ایران و

حمایت از شرکت نفت باعث خشم شدید عمومی مردم ایران گردید و

جوانی غیور و وطنپرست و متدین از میان مردم ایران برخاست و نخست وزیر

بیگانه پرست را بجزای اعمال خود رسانید.»

۴. «اینکه رزم آرا چه کسانی در کشتن شرکت داشتند، قطعاً آیه ا...

کاشانی دستور داده بود، این چیزی است که خلیل طهماسبی خودش اقرار

کرده بود.

۲. ایران ما، شماره ۴۱،  
مورخه ۳۰/۱/۲۳ (متن)  
مصاحبه آیه ا... کاشانی یا  
گذشته چراغ راه آینده  
است، جبهه آزادی مردم  
ایران، ص ۵۱۰.

۱. با توجه به اسناد موجود این گفتار مربوط به این تاریخ نیست.

۲. درسهایی از تاریخ سیاسی ایران، شهید سیدحسن آیت، ص ۱۶۷.  
۳. ناگفته‌ها، شهید مهدی عراقی، ص ۷۷.

و آیه ۱... کاشانی هم بعدها (که در سال ۱۳۳۴ دستگیرش کردند.)<sup>۱</sup>

صریحاً به عهده گرفت و گفت: من مجتهد بودم و رزم آرا را

مهدور الدم می دانستم و فتوای قتل رزم آرا را دادم.

... گفته اند که شاه هم خبر داشته است. مجموعه قرائن نشان می دهد

که اینطور نیست اگرچه از آن کشتن، اول کار، راضی بود؛ چون

می ترسید، که رزم آرا کلک خودش را بکند. اما بعدها خواهیم دید که

اوضاع بدتر شد.<sup>۲</sup>

۵. «آقای کاشانی فتوای قتل رزم آرا و چند نفر دیگر را از جهت

شرعی صادر کرد.<sup>۳</sup>

اینک با عنایت به اظهارات فوق و با توجه به نکات ذیل روایی یا

ناروایی انگاره مورد بحث آشکار میگردد:

۱. گفته آیه ۱... کاشانی در هنگام بازجوئی هیچگاه صراحت نداشته و

یقین آور نیست زیرا ایشان می فرمایند «برحسب پرونده قاتل خلیل نیست»

[استناد به پرونده]

حال آنکه ایشان در مصاحبه های خود صراحتاً از شهید خلیل

طهماسبی به عنوان به هلاکت رساننده رزم آرا تجلیل کرده اند.

۲. مصاحبه ها در شرایط آزاد و بدور از جو خفقان و اجبار انجام شده

است.

حال آنکه بازجوئی ها در شرایط اختناق و سرکوب سالهای پس از

کودتای ۲۸ مرداد صورت گرفته است.

۳. زمان بازجوئی ها از لحاظ کیفیت تصمیم گیری رژیم برای برخورد

با فدائیان اسلام و یاران آنها بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده بوده است.

و بدیهی است که آیه الله کاشانی برای نجات آنها به مطلوبترین تدابیر ممکن

متوسل شود.<sup>۴</sup>

بنابراین اظهارات آیه ۱... کاشانی در دادگاه علاوه بر آنکه هرگز در

انتساب قتل به فردی جز شهید خلیل طهماسبیان صراحت ندارد. به فرض

چنین برداشتی نیز بایست این بیان را به عنوان تقیه و بخاطر رهانیدن شهید

۴. همانطور که ملاحظه می شود تاریخ یکی از بازجوئیها ۲۷/۱۰/۳۴ یعنی روز شهادت رهبران فدائیان اسلام است و چه بسا اولین بازجوئی از آیه ۱... کاشانی قبل از این تاریخ نیز بوده باشد.



خلیل طهماسبی و یارانش قلمداد نمود.

البته محتمل است این اظهارات به خاطر سلب بهانه از رژیم در محکوم نمودن خود ایشان باشد. \*

### بررسی انگاره دوم

این انگاره در پی اثبات این موضوع است که گلوله های اصابت شده به رزم آرا با اسلحه شهید خلیل طهماسبی و گلوله های آن مطابقت نداشته است پس باید گلوله ها از اسلحه دیگری شلیک شده باشد! <sup>۱</sup>

حائری زاده (عضو جبهه ملی و نماینده مجلس) و سرهنگ غلامرضا مصور رحمانی <sup>۲</sup> از جمله طرح کنندگان این انگاره هستند.

سرهنگ رحمانی در کتاب خود «خاطرات سیاسی ۲۵ سال در نیرو هوایی ایران» چنین می نویسد:

«وسیله تیراندازی خلیل طهماسبی، به اتفاق نظر [!] یک شش تیر کوچک بود. گلوله ۶ تیر، دارای کالیبر کوچک و سرعت اولیه کمی است. چنین گلوله، حتی از پارچه پالتویی ضخیم دولا به اشکال می تواند عبور کند. و به فرض عبور، سوراخ ورودی کوچکی، به وجودی آورد، و

۱. اسرار قتل رزم آرا، ص ۴۶۳.

۲. وی در سال ۱۳۳۳ به اتهام ارتباط با حزب توده بزرندان افتاد و در زندان و پس از آن به همکاری با رژیم پرداخت و در سال ۱۳۳۹ طی سفری به آمریکا با همکاری فردی بنام موهبت سبحانی از وابستگان حزب صهیونیستی بهائیت «انجمن برادری ایران و آمریکا» را پایه گذاری کرد. بنقل از مجله ۱۵ خرداد شماره ۳، ص ۴۱.

\* «لازم به یادآوری است که آیه آ... کاشانی در پی کودتای سیا C.I.A در ۲۸ مرداد/ ۱۳۳۲، به اتهام صدور فتوای قتل رزم آرا، از سوی رژیم شاه بازداشت و به «دادگاه» نظامی کشیده شدند و چون صدور این فتوا از طرف ایشان تا اندازه ای محرز و غیرقابل انکار بود، ناگزیر شدند برای رهیدن از چنگال دژخیمان شاه، به شایعه ای که پس از کشته شدن رزم آرا در سطح گسترده ای رواج پیدا کرده بود، تمسک جویند و در بازجوییها و نیز در «دادگاه»، روی این موضوع پافشاری کنند که اصولاً رزم آرا به دست طهماسبی کشته نشده است! و با این استدلال محکمه بسند، اثبات کنند که به دنبال حکم ایشان برای اعدام انقلابی رزم آرا، از پیروان ایشان کسی نتوانسته است این حکم را اجرا کند و بنابراین جرمی از سوی پیروان ایشان روی نداده است تا ایشان نیز در آن جرم شریک باشند. و این بهترین تاکتیکی بود که آیه آ... کاشانی در آن روزهای تاریک و خفقان بار به کار بستند. ایشان شایعه کودتا از سوی رزم آرا را نیز مطرح کردند و بدین گونه کوشیدند که جرم خود را از دید رژیم کاهش دهند.

هرچند رژیم شاه چون از حقایق جریان به درستی آگاهی داشت و می دانست که رزم آرا به دست طهماسبی از پا درآمده و شایعه کودتا از سوی نامبرده نیز از اساس دروغ است، به این استدلال ایشان ارجی نهد و اگر پافشاری و موضع صریح و به جای آیه آ... العظمی بروجردی (رحمة الله علیه) نبود، رژیم شاه کاشانی را به جرم صدور این حکم سرنوشت ساز، بی تردید به جوخه آتش می سپرد.

۳. مجله ۱۵ خرداد، شماره ۳ (مرداد) / شهریور (۱۳۷۰)، ص ۳۶.

معمولاً قدرت کافی برای خروج از بدن را ندارد.

وسعت زیاد زخم گلوله در بدن رزم آرا و نفوذ عمیق آن جای شک باقی نمی گذاشت که گلوله از اسلحه کمتری پر قدرت با کالیبر بزرگ رها شده، و سلاح کمتری «کلت» مناسبترین سلاحی بود که ممکن بود چنان اثری ایجاد کند این سلاح منحصراً در اختیار ارتش بود!

... یکی از گروهانهای ارتش در لباس غیر نظامی مأمور انجام کار شد ...

رزم آرا که به اصرار و راهنمایی علم [!] به طرف مسجد حرکت کرد، بلافاصله پس از بلند شدن صدای گلوله طهماسبی، به دست آن گرهبان کشته شد.

آنهايي که اثر گلوله را در بدن رزم آرا معاینه کرده بودند شک نداشتند او با گلوله کلت کشته شده بوده نه با گلوله اسلحه خفیف ...<sup>۱</sup>

اما اسناد موجود بیانگر آنست که اولاً نوع اسلحه، هفتیر «براونیک» بلژیکی بوده است نه شش تیر، ثانیاً علاوه بر گواهی شاهدان عینی، کارشناسان اسلحه نیز بطور قطع گلوله های شلیک نشده را با گلوله ها و پوکه های به دست آمده در صحنه قتل یکسان و متعلق به اسلحه شهید طهماسبی دانسته اند.

متن گواهی کارشناسان فنی اسلحه شناسی بدین قرار است: «در تاریخ ۳۰/۹/۲۷ در ساعت مقرر سرکار ستوان یکم کریم خالق پناه کارشناس اداره فنی شهربانی حضور بهم رسانیده و آقای عباس فروتن کارمند شعبه اول اداره آگاهی نیز اسلحه کمتری متهم را که شماره آن ۲۸۰۷۸۴ (توضیح اینکه رقم چهارم از سمت راست یعنی صفر، [در] عدد مزبور در سه قسمت:

۱. شکاف درجه ۲. روپوش کشاننده ۳. بدنه، [قرارداد]

[و] چنین بنظر میرسد که رقم دیگری بوده، و بعداً تبدیل به صفر شده است)، [و] ۲. سیستم آن براونیک بلژیکی، دسته آن معروف به دسته نشان، مستعمل (قابل استفاده) و نیز سه فشنگ با علائم اس. اف. ام - S

۱. خاطرات سیاسی ۲۵ ساله در نیروی هوایی، منصور رحمانی یا اسرار قتل رزم آرا، صفحات ۴۸۴ و ۴۸۶. (۲). لازم به تذکر است که در مجله شماره ۳، ۱۵ خرداد نیز انگاره فوق نقد شده است.

۲. در اصل: که.

۱. در اصل: شد.

f-m ستاره نشان و یک عدد پوکو و شانہ که مستعمل می باشد ارائه نمود<sup>۱</sup>. و آقای شجیعی دادیار دادرسی شهرستان تهران به نمایندگی دادرسی حضور دارند، و آقای سرهنگ ۲ فنی بهمن نامدار کارشناس فنی که از طرف ارتش بموجب ابلاغ شماره ۲۳/۹/۳۰-۲۲۱۷ دعوت شده حضور نرسانیده است، و برای اینکه تأخیری در جریان پرونده حاصل نشود فعلاً اقدام به جلب نظر کارشناس میشود.

پاکت محتوی یک عدد گلوله که سه قسمت آن لاک و به مهر دادگاه عالی جنائی مهور بود مشاهده و صحت لاک و مهر محرز و سپس پاکت با حضور آقایان نامبرده باز و در دسترس کارشناس فنی گذارده شد، و پس از معاینه دقیق و مشاهده پوکو فشنگ و گلوله مزبور نظریه خود را بشرح زیر به خط خود مینگارند (تشریفات کارشناسی انجام شد).

پوکو فشنگ که مارک آن با مارک سه عدد فشنگ دیگر مطابقت دارد و نیز گلوله موجوده در پاکت مهور، بدقت ملاحظه، با توجه به خانهای [لوله] اسلحه و اثرات آن در روی گلوله مورد بحث و بررسی کامل، بنظر اینجانب محرز است که این گلوله متعلق بهمین پوکو می باشد، و نیز راجع به فرورفتگی قسمتی از انتهای گلوله چون معمولاً وقتی گلوله به هدف اصابت [نمود] در صورتیکه هدف جسم سختی باشد البته گلوله تغییر شکل داده و حالت عمومی آن بکلی تغییر می نماید، ولی گلوله مورد معاینه بجسم سخت برخورد نکرده و فرورفتگی انتهای آن را نمی توان مشخص نمود که در اثر چه عاملی ایجاد شده است.<sup>۲</sup>

امضاء خالق پناه

۳۰/۹/۲۷

در این موقع اسلحه ارسالی با سه عدد فشنگ و یک عدد پوکو و شانہ اسلحه عیناً به آقای عباسقلی فروتن تحویل و گلوله در پاکت گذارده و به مهر شعبه بازپرسی در سه قسمت مهور و لاک گردید.

دادیار

۳۰/۹/۲۷

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام (قتل رزم آرا)، ص ۱۰۶۸.







وزارت بهداشت و آموزش پزشکی

برگ بلژیوی و صورت مجلس

شماره ۴۷

مادرخوانده	داد خوانده	خواست	تاریخ	جزو مجلس	پرونده
			روز - ماه - ۱۳۳۲		

گزارش هیئت مدیره و هیئت مدیران در خصوص اقدامات صورت گرفته در زمینه ...  
 در تاریخ ... در محل ...  
 حضور ...  
 به ریاست ...

موضوع پرونده ...  
 در تاریخ ...  
 در محل ...  
 به ریاست ...  
 حضور ...

در وقت ...  
 در محل ...

در تاریخ ...  
 در محل ...  
 به ریاست ...  
 حضور ...

در وقت ...  
 در محل ...



وزارت آموزش عالی

شماره ۳۸

برگ پانزدهم و صورت مجلس

شماره

دادخواهان	داد خوانده	خواسته	تاریخ	چروچکان	پرونده
			روز - ماه - ۱۳۳۰		

موضوع: درخواست اعطای بورس تحصیلی به آقایان ...  
 در جلسه مورخه ... در وقت ...  
 به شرح ...  
 به این شرح ...  
 به این شرح ...

در این مورد ...  
 به این شرح ...  
 به این شرح ...  
 به این شرح ...

تاریخ ...  
 به این شرح ...  
 به این شرح ...  
 به این شرح ...

کارشناس فنی خالق پناه نماینده آگاهی: فروتن

بازپرس شعبه ۱

(اعتمادی) ۳۰/۹/۲۷

دفتر - وقت دیگری تعیین و مجدداً کارشناس فنی ارتش احضار شود.

امضاء بازپرس شعبه ۱

۳۰/۹/۲۷

آقای بازپرس - اقدام شد مقرر ۳۰/۱۰/۵ ساعت ۹ صبح

### اظهارات سرهنگ ۲ نامدار بهمن کارشناس فنی ارتش

در تاریخ ۳۰/۹/۳۰ آقای سرهنگ ۲ نامدار بهمن کارشناس فنی

ارتش و آقای شجعی نماینده دادستان تهران و آقای یدالله کاظمی کارمند

اداره آگاهی اسلحه مورد منظور را با شانه و پوکه حاضر نموده و پس از

معاینه دقیق بشرح زیر اظهار نظر مینماید:

در این موقع پاکت محتوی گلوله از پرونده خارج و پس از ملاحظه

مهر و لاک آن و صحیح بنظر رسید، گلوله از پاکت خارج و در دسترس

کارشناس حاضر گزارده شد و پس از تطبیق گلوله موجوده در پرونده با

پوکه که از طرف کارمند شهربانی با ۳ عدد فشنگ دیگر ارائه گردید، آقای

کارشناس نامبرده عقیده خود را بشرح زیر (صفحه ۲۸) با خط خود مینگارد

با انجام تشریفات کارشناسی:

در تاریخ ۳۰/۹/۳۰ اینجانب سرهنگ ۲ فنی نامدار بهمن در شعبه ۱

بازپرسی طهران حاضر و پس از بررسی اسلحه کمبری [ی] براونیک و یک

عدد پوکه خالی و یک عدد گلوله نتیجه بشرح زیر بدست آمد:

اسلحه کالیبر ۷/۶۵ و گلوله و پوکه هم مربوط به کالیبر همان اسلحه

بود، یعنی گلوله کالیبر ۷/۶۵ و پوکه هم مربوط به همان گلوله می باشد.

۳۰/۶/۳۰ امضاء سرهنگ ۲ فنی بهمن<sup>۱</sup>

در این موقع اسلحه بانضمام سه عدد فشنگ و یک عدد پوکه به آقای

کاظمی نماینده شهربانی تحویل و مجدداً گلوله به انضمام پاکت های

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام (قتل رزم آرا) ص ۱۰۹۶.



مهموره سابق در پاکت دیگری ضبط و با مهر شعبه بازپرسی لاک و مهر گردید، و پاکت مزبور بوسیله بازپرس در همین محل امضاء و در پرونده بایگانی گردند.

امضاءها: نماینده دادسرا  
 کارشناس  
 دادیار ۳۰/۹/۳۰  
 سرهنگ ۲ بهمن  
 نماینده آگاهی  
 بازپرس شعبه ۱  
 کاظمی  
 (اعتمادی) ۳۰/۹/۳۰

دفتر - پیرو نامه ای که به دادسرا نوشته شده است شرح دیگری نوشته شود که تسریع فرمایند.

بازپرس شعبه ۱

۳۰/۹/۳۰

بنابراین بر طبق اسناد فوق مشخص می گردد که اولاً اسلحه خلیل طهماسبی هفت تیر بوده است نه آنچه آنکه سرهنگ منصور رحمانی می گوید شش تیر خفیف، ثانیاً گلوله شلیک شده و گلوله های باقیمانده کاملاً با خان لوله اسلحه شهید طهماسبی مطابقت داشته اند.

و چون به شهادت اکثر قریب به اتفاق افراد حاضر در صحنه بیش از سه تیر شلیک نشده است پس تعلق تمامی گلوله های شلیک شده به اسلحه شهید طهماسبیان امری قطعی و تردید ناپذیر است. اسناد و مطالبات فرنگی  
 بنابراین، اصولاً کس دیگری به جز شهید طهماسبی به طرف رزم آرا شلیک ننموده است تا این شبهه مطرح شود که آیا کشنده رزم آرا اوست یا دیگری.

مطلب قابل تأمل و شگفت آور موضع گردآورنده کتاب «اسرار قتل رزم آرا» در خصوص این انگاره است که با وجود آنکه دو سند مذکور را در کتاب خود ذکر نموده<sup>۱</sup> و از مفاد آن مطلع بوده است باز هم انگاره بی بنیاد سرهنگ منصور رحمانی را مطرح کرده است!

۳. انگاره دیگری که در انتساب کشته شدن رزم آرا به دست محافظینش مطرح است، ارائه قرائن و شواهدی دال بر آگاهی و دخالت

۱. اسرار قتل رزم آرا  
 محمدترکمان ص ۹۷ و  
 ۴۳۷

نیروهای وابسته به دربار در طرح و برای نقشه قتل رزم آرا به خاطر جلوگیری از کودتای احتمالی او است.

در این رابطه مدعی هستند که «علم» وزیر کار رزم آرا و مهره وابسته به دربار عامل به مسجد آوردن رزم آرا بوده است!

این انگاره در نشریه داد شماره ۲۰۵۱ - ۲۹/۱۲/۱۷، چنین مطرح شده است:

«ذکر این مطلب نیز بیمورد نیست که اسدا ... علم پادوی محمدرضا شاه که در کابینه رزم آرا سمت وزارت کار را داشت کسی بود که رزم آرا را بمقتل (مسجد ...) برد و اولین شخصی بود که خبر قتل وی را به شاه رسانید.»<sup>۱</sup>

در پاسخ به این انگاره،

نخست باید گفت که احتمال کودتا حتی به اعتقاد گردآورنده کتاب «اسرار قتل رزم آرا» که خود در پی اثبات صحت شبهه مورد بحث است، شایعه ای بیش نیست.<sup>۲</sup>

و در مورد انگاره مطرح شده نیز طبق اسناد و مدارک موجود «علم» نه تنها عامل به مسجد کشانیدن رزم آرا نبوده بلکه این رزم آرا است که با اصرار خود «علم» را که قبلاً به مسجد رفته دوباره به آن محل باز می گرداند. برای اثبات این موضوع به متن بازجویی «علم» و محمود هدایت معاون پارلمانی و برادر همسر رزم آرا که کاملاً در جریان چگونگی رفتن رزم آرا به مسجد بوده اند، نظر می افکنیم:

تحقیق از امیر اسدالله علم وزیر کار کابینه رزم آرا (صفحات ۷۹۰ تا ۷۹۲ پرونده)

وزارت دادگستری

برگ بازجویی و صورت مجلس [از اسدالله علم]

بتاریخ ۳۰/۲/۲۴ جناب آقای اسدالله علم تشریف دارند، و هويت

ایشان محرز است و با انجام تشریفات مربوطه به تحقیق از مطلعین، و

۱. گذشته چراغ راه آینده ص ۵۱۱.

۲. اسرار قتل رزم آرا: محمدترکمان ص ۳۰.

توجه دادن ایشان به این موضوع، و تعهد بذکر حقیقت از ایشان ستوال می شود:

[س]- چون بقرار اطلاع جنابعالی در روز ۲۹/۱۲/۱۶ در مسجد شاه، و هنگام ترور مرحوم رزم آرا نخست وزیر حضور داشته اید، و مخصوصاً قبلاً خود جنابعالی به مسجد تشریف برده اید، و چون نخست وزیر نبوده است مجدداً به نخست وزیری تشریف آورده، و مجدداً به معیت ایشان به مسجد تشریف برده اید، و در هنگام ترور هم حضور داشته اید، ضمناً می شود جریان کار و مشاهدات خودتان را در این باب مرقوم فرمائید.

ج- اینجانب عصر روز پانزدهم از اصفهان مراجعت، و صبح شانزدهم اسفند، ساعت هشت آن هم برای ملاقات نخست وزیر به نخست وزیری رفتم. تا حدود ساعت ده معطل شدم، ایشان به نخست وزیری نیامدند، در این مدت انتظار، در اطاق آقای هدایت معاون نخست وزیر بودم.

ایشان فرمودند آقای نخست وزیر باید مسجد باشند، شما اگر عجله دارید که ایشان را به بینید بیایید با هم برویم مسجد، آنجا شاید ملاقاتشان نمائید. اینجانب بواسطه کارهائی که داشتم، مایل بودم به وزارت کار مراجعت کنم، ولی آقای هدایت اصرار کردند که با ایشان به مسجد بروم، لهذا به اتفاق ایشان و با اتومبیل ایشان به مسجد رفتم، آقای نخست وزیر آنجا نبود. چند دقیقه صبر کردم و فاتحه خواندم، بعد از مسجد بیرون آمدم، آقای هدایت را آنجا گذاشتم.

چون با اتومبیل آقای هدایت رفته بودم، و اتومبیل خودم جلوی نخست وزیری بود، با اتومبیل آقای هدایت برگشتم به نخست وزیری، که از آنجا با اتومبیل خودم بروم. بعد که برگشتم از فراش جلوی کاخ ایض پرسیدم آقای نخست وزیر آمدند یا نه [؟] گفت [ : ] نه. با وصف این رفتم دفتر آقای غضنفری رئیس دفتر نخست وزیر، و به ایشان گفتم به آقای نخست وزیر عرض کنید من از صبح منتظر بودم جنابعالی را ملاقات کنم،

لکن نشد، مسجد هم رفتم که شاید آنجا تشریف داشته باشید تشریف نداشتید، ولی عرایض لازمی نسبت به امور اصفهان و مخصوصاً خطر تعطیل کارخانجات آنجا دارم باید امروز به عرضتان برسانم. اما چون حالا کارهای لازمی دارم دیگر معطل نمی شوم، ایشان هر وقت به نخست وزیری آمدند تلفن کنند فوری کاخ ایض بیایم.

از نخست وزیری می رفتم بیرون، بین پله های کاخ ایض به نخست وزیر برخوردم، و باتفاق ایشان به اطاق کارشان رفتم و گفتم [:] چون کارهای لازمی راجع به امور اصفهان داشتم حتی به مسجد آمدم، شاید جنابعالی را آنجا پیدا کنم ولی تشریف نداشتید. ایشان بخاطر آوردند که باید به مسجد بروند و اظهار داشتند [:] بس کار دارم، اینگونه امور فراموش می شود، حال بیا با هم برویم.

به ایشان عرض کردم وقتی بنده از مسجد بیرون می آمدم از طرف آقایان علماء دستور خواندن الرحمن داده شده بود، باید دیر باشد و دیگر به فاتحه نخواهید رسید، ایشان منصرف شدند و مجدداً راجع به امور اصفهان مشغول مذاکره شدیم. در این اثناء آقای غضنفری رئیس دفتر ایشان وارد اطاق شد، و چند فقره یادداشت جلوی ایشان گذاشت که گویا کارهای روز ایشان بود. آقای نخست وزیر پس از نگاه کردن به یادداشتها مجدداً گفتند بیا برویم مسجد. به ایشان عرض کردم من آنجا بودم، دیگر حالا نمی آیم، بعد که مراجعت فرمودید تلفن بفرمائید خدمت برسم. اصرار کردند بیا برویم، چند دقیقه در راه وقت داریم صحبت کنیم.

بین راه صحبت امور اصفهان بود. جلوی در مسجد باز خواستم برگردم، اصرار کردند بیا برویم تو، باز هم صحبت کنیم. من هم باتفاق ایشان رفتم از در مسجد که داخل شدیم دو طرف در کمال نظم پاسبانها ایستاده بودند، با هم مذاکره می کردیم و می رفتم، غفلتاً صدای سه تیر از پشت سر به گوشم رسید، و نخست وزیر با صورت به زمین غلطید، من قدری متوجه ایشان شدم، و بعد به عقب برگشتم بینم چه اتفاق افتاده، دیدم عده [ای] پاسبان و جمعیت بهم ریخته اند و گلاویز هستند.







مجدداً در بالین نخست وزیر نشستم که اگر کمکی از دستم برآید به ایشان بکنم، پرسیدم آقا چطور شدید؟ [؟] جواب ندادند. دقت کردم دیدم گلوله مغز آن مرحوم را متلاشی کرده و معلوم می شود در دم جان سپرده است. قدری بالین ایشان صبر کردم، تا جمعیت و منجمله آقای هدایت (محمود) از داخل مسجد آمدند، یکعده افسران شهربانی هم بر بالین نخست وزیر جمع شدند، آن وقت اینجانب از مسجد بیرون آمدم، امضاء.

س - آیا جنابعالی قیافه ضارب و اسلحه را دیدید یا نه [؟]

ج - چنانچه اظهار شد گلوله ها از پشت سر شلیک می شد، وقتی مرحوم نخست وزیر بر زمین افتاد و بنده بایشان توجه کردم، بعد به عقب برگشتم بینم چه اتفاق افتاده و چطور شد جز جمعیت و پاسبانها که بهم ریخته بودند فرد مشخصی را ندیدم.

امضاء

**بازجویی و تحقیق از محمود هدایت معاون پارلمانی رزم آرا**  
(صفحات ۷۸۶ تا ۷۹۰ پرونده)

وزارت دادگستری

برگ بازجویی و صورتمجلس [از محمود هدایت]

بتاریخ ۳۰ / ۲ / ۱۸ از جناب آقای محمود هدایت مستشار دیوان عالی کشور و معاون سابق نخست وزیر محترم استیضاح می شود: ،  
اولاً در مورد تقاضای آقای دادیار دادسرا بشرح زیر:

[۱] در مورد نامه محرمانه بی امضا خطاب به بانو رزم آرا که دستور تحقیق در اطراف آن بشرح صفحه ۳۲۴ پرونده از طرف دادستان وقت به اداره آگاهی داده شده، اساساً اقدامی نشده است، لازم است به وسائلی مقتضی از بانو رزم آرا به این که نامه مزبور به چه وسیله، در چه تاریخی به مشارالیها رسیده است، و در خصوص آن با مرحوم رزم آرا مذاکراتی کرده بوده یا نه، و ثانیاً چند فقره از این نامه ها به ایشان رسیده، و ثالثاً اصل نامه را اخذ ... نمائید، و ضمناً از آقای هدایت معاون پارلمانی مرحوم رزم آرا که تسلیم کننده نامه بوده اند در این باره تحقیقات لازمه کافی بعمل





آورید[۱].

اینک از جناب آقای هدایت تمنا می شود جریان مراتب مذکوره بالا و هم در مورد قتل مرحوم رزم آرا هر اطلاعی دارند مرقوم فرمایند، تا نظر آقای دادیار تأمین گردد.

ج- روز چهارشنبه ۱۶ اسفند، مثل سایر ایام به دفتر خودم رفتم. ارباب رجوع ها هم مثل سایر ایام بسرغام آمدند. در حدود ساعت نه آقای علم وزیر کار وقت که روز قبل از مسافرت اصفهان برگشته بود وارد شد، گفت آمدم خدمت آقای نخست وزیر برسم تشریف نداشتند، گفتم اینجا تشریف داشته باشید خواهند آمد. در حدود ساعت ده یادم افتاد امروز در مسجد شاه ختم است و باید رفت، خاصه اینکه یحتمل آقای نخست وزیر نتوانند در مجلس ختم حاضر شوند. از حضار معذرت خواستم که چون مجبورم به مجلس ختم بروم، آقایان موقع دیگر تشریف بیاورند، و به آقای علم گفتم بفرمائید برویم مسجد، ایشان گفتند: می خواستم بمانم و خدمت آقای نخست وزیر برسم، گفتم: در مراجعت هم می شود این کار را کرد. با هم راه افتادیم و رفتیم از جلو خان که وارد مسجد شدیم، دیدم از مدخل صحن مسجد تا دم زنجیرهایی که کشیده اند دو صف پاسبان شانه بشانه ایستاده و افسران در میان این دو صف قدم می زنند. داخل شبستان شدم، دیدم در شاه نشین مدخل شبستان علماء نشسته اند، من دست راست، نزدیک آقایان امام جمعه و آقا بهاء الدین نوری نشسته، چند نفر فاصله هم آقای علم نشست.

پس از چند دقیقه. آقای علم برخاست، گفتم کجا[۲]؟ گفت: [ ] من می روم بلکه بتوانم زودتر آقای نخست وزیر را ببینم، و رفت.

چند دقیقه بعد [در این] فاصله دیدم سیدی که قرآن می دهد گفت آقا تشریف آوردند من تصور کردم آقای نخست وزیر است دیدم آقای بهبهانی تشریف آوردند، و پهلوی آقا بهاء الدین نشستند، پرسیدند آقای نخست وزیر کجا هستند[۳]؟ گفتم: [ ] شرفیاب شده بودند، بلکه گرفتار شده اند، و نتوانستند تشریف بیاورند، شما که تشریف دارید آنچه لازمه تشریفات









است معمول خواهید فرمود.

آقا اجازه خواندن الرحمن دادند. بعد هم فلسفی به منبر رفت، و چند دقیقه ای بود حرف می زد که از صحن مسجد صدای سه ... متوالی بلند شد. من دویدم بیرون، دیدم نزدیک حوض بغل سکوی صحن مسجد، آقای نخست وزیر در خون خود غلط می زند، و جمعی از هر طرف می دوند. با دیدن این صحنه نفهمیدم چه شد. پس از مدتی دیدم دو نفر مرا صدا می زنند، و از زمین بلندم می کنند. آن ساعت ندانستم کیستند، بعد خودشان را معرفی کردند که آن روز ما بودیم، فهمیدم یکی آقای عدیلی عضو وزارت فرهنگ بوده اند، و دیگری بهشتی قرآن خوان.

۱. در اصل: بدیدن.

باری حالم که بهتر شد، دیدم هنوز پاسبانان مثل عروسک پنبه ای برجای ایستاده اند، فریاد زدم که آخر پدر سوخته های بی شرم، این مرد نخست وزیر مملکت بود، سپهبد بود چرا حیا نمی کنید از زمین لااقل بلندش کنید چهار نفر آمدند و بوضع عجیبی که از گفتنش شرم دارم آمدند جسد را بلند کردند و بهمان حال بردند بیرون مسجد و ...

بنابراین بنا بر مفاد این دو سند کاملاً روشن می شود که نه تنها به مسجد کشانیدن رزم آرا توسط علم شایعه ای بی اساس و پوچ است بلکه همانگونه که ذکر شد و در سند نیز مشهود است این علم بوده است که به اصرار رزم آرا برای مرتبه دوم به مسجد رفته است.

و اگر کسی مدعی شود که آنچه علم در بازجوئی گفته برای اغراض خاصی بوده و اصولاً به سخن فردی مانند علم چه جای اعتماد است؟ در پاسخ او باید گفت که اولاً مفاد گفتار علم با گفته محمود هدایت (معاون پارلمانی و برادر همسر رزم آرا) و گواهان دیگر<sup>۲</sup> منطبق است. ثانیاً طبق پرسش بازپرس و بیان هر دو نفر و شواهد قابل تحقیق، علم قبل از اینکه با رزم آرا به مسجد برود خود نیز به مسجد رفته است و بدیهی است چنانچه علم نقشه به مسجد کشانیدن رزم آرا را داشت هیچگاه در مرتبه اول بدون او به مسجد نمی رفت و اصولاً اگر دربار قصد از بین بردن رزم آرا را داشت لازم به اینهمه صحنه سازی و ایجاد فرصت نبود بلکه به طریقی بسیار

۲. از جمله این گواهان که در پرونده موجود است اظهارات رئیس قسمت پلیس انتظامی شهرستانی است. ص ۳۱۷ پرونده.

ساده تر همچنانکه مثلاً جهان پهلوان تختی را مسموم نمودند می توانست او را به راحتی سر به نیست کنند.<sup>۱</sup>

۱. مجله ۱۵ خرداد، شماره ۳، ص ۳۷.

۴- اما چهارمین انگاره با ارائه تصویری دلخواه از موقعیت مأمورین در محل حادثه و با دعوی برخی از دوگانگی ها در گفتار افراد حاضر در صحنه، در پی ناممکن جلوه دادن هلاکت رزم آرا به دست شهید خلیل طهماسبی است.

این انگاره در نشریه هفتگی «اتحاد ملی» باتکیه بر شواهدی ادعایی چنین مطرح شده است:<sup>۲</sup>

۲. «اتحاد ملی»، شماره های تیر و مرداد ۱۳۳۳. - اسرار قتل رزم آرا، ص ۴۴۸.

الف- «چطور در میان این همه چشم یکنفر توانسته خود را وارد کوچه ای که از پاسبانان تشکیل شده بود بیندازد، پشت سر سه نفر کارآگاه و محافظ و مسلح قرار گیرد.

سه نفری که شانه به شانه مثل دیواری در پشت سر رزم آرا در حرکت بوده اند، و وجود خود آنها مانع هر نوع تیراندازی بوده، و در این حالت تیراندازی می کند...»<sup>۳</sup>

۳. اسرار قتل رزم آرا، ص ۴۶۰.

ب- فقط دو نفر صریحاً اقرار کرده اند که بچشم تیراندازی خلیل طهماسبی را دیده اند.<sup>۴</sup>

۴. همان مأخذ، ص ۴۵۴ و ۴۵۶.

ج- «باید تعیین شود این اختلاف بارز بین گفته سرگرد محبوبی و سرتیپ دانشپور چیست؟ معاون شهربانی کل در آنروز کجا بود؟ در بیرون مسجد یا در داخل مسجد و پشت سر محافظین رزم آرا؟»<sup>۵</sup>

۵. همان مأخذ، ص ۴۶۱.

د- «از همه بالاتر، می گویند گواهی پزشکی قانونی حاکی است که یک تیر از پشت سر به مغز خورده، پس یک تیر به یک شانه و تیر دیگر به شانه دیگر اصابت نمود. چطور در آن واحد یکنفر تیرانداز از پشت سر میتواند به دو شانه تیراندازی کند...»<sup>۶</sup>

۶. همان مأخذ، ص ۴۶۱.

ه- مواردی مانند تحقیق در تطبیق فشنگهای باقیمانده با فشنگهای شلیک شده و با اسلحه خلیل طهماسبی، اینکه وی اسلحه را از کجا بدست آورده است.<sup>۷</sup>

۷. همان مأخذ، ص ۴۶۱.

در پاسخ به اجزاء انگاره فوق باید گفت که مورد «ه» عمدتاً قبلاً

بررسی و پاسخ داده شد. و ۴ مورد اول نیز بر مبنای اسناد و مدارک موجود کاملاً نادرست و خلاف حقیقت است.

و جای شگفتی است که نویسنده مقالات مذکور اولاً در سال ۱۳۳۳ چگونه اجازه دسترسی به پرونده قتل رزم آرا را دریافت نمود و ثانیاً وی و هم گرد آورنده کتاب «اسرار قتل رزم آرا» با چه انگیزه ای این مطالب نادرست را علیرغم اطلاع از مفاد پرونده عنوان کرده اند؟ اما دلیل نادرست بودن موارد مذکور به قرار زیر است:

الف- اولاً فاصله پاسبانهای گمارده شده در صحن مسجد از یکدیگر پنج قدم بوده است<sup>۱</sup> و عبور از چنین فاصله ای ابداً دور نیست.

ثانیاً محافظین به هیچ وجه شانه به شانه یکدیگر حرکت نمی کرده اند و از ما بین آنها تیراندازی کاملاً میسر بوده است، برای اثبات این موضوع گفته های یکی از محافظین بعنوان نمونه نقل میگردد:

«... پیاده شدیم در طرفین نخست وزیر حرکت کردیم من سمت راست نخست وزیر بودم و حرکت میکردم دو نفر دیگر مامورین ماکه همراه بودند پشت سر ما بودند... آمدیم ما بین حوض و صحن سنگ فرش، بنده بغل نخست وزیر می رفتم دیدم صدای شلیک تیر آمد...»<sup>۲</sup>

اینکه گفته شده است فقط دو نفر تیراندازی شهید طهماسبی را به چشم دیده اند نیز کاملاً خلاف واقع است و تمامی کسانی که امکان دیدن حرکت و تیراندازی شهید طهماسبیان بر ایشان فراهم بوده به این قضیه شهادت داده اند، از جمله: ۱. مامور انتظامات جلوخان مسجد بنام سرگرد رأفت در گزارش مورخه ۲۹/۱۲/۲۱ خود چنین می نویسد:

«... تقریباً ساعت ۱۰/۴۵ صبح... نخست وزیر از پله های جلو خان مسجد پایین... [آمد] بنده تا اول صحن استقبال می کردم، در این بین یکنفر بطرف معظم له [۱] حمله ور شده و شروع به تیراندازی کرد.»<sup>۳</sup>

۲. یکی از محافظین رزم آرا بنام پازوکی چنین می گوید:

«... در این بین صدای تیر بلند شد، من به سمت دست راست متوجه شدم و دیدم یکنفر از این صف پاسبانها یک قدم خود را جلو گزارده

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام، تسرور رزم آرا، ص ۵۰۲ و اسرار قتل رزم آرا، ص ۷۹.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان رزم آرا، ص ۴۹۵.

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام، قتل رزم آرا، ص ۵۶۳.

ردیف	تاریخ	موضوع	ملاحظات	ملاحظات	ملاحظات
	۱۳۲۲ خرداد ۲۱				
<p>             این سند در تاریخ فوق الذکر در حضور آقایان              ۱- آقایان... ۲- آقایان... ۳- آقایان...              در مورد...              ...              ...              ...              ...              ...              ...              ...              ...              ...           </p>					





بود اسلحه در دست اوست، تا خواستیم او را دستگیر کنیم تیر دوم و سوم نیز خالی شد، که من دو دستی دست قاتل را گرفتم . . . ۱»

۳. محافظ دیگر نیز بنام جلیوند می گوید:

« . . . یکمتر به از سمت راست که جمعیت ایستاده بود ضارب از توی جمعیت دوید جلو تقریباً فاصله داشت با نخست وزیر که تیر خالی کرد و خورد به سر نخست وزیر، تا من دست او را گرفتم تیر دوم هم خالی شد . . . ۲»

۴. واز همه این گواهی ها ارزشمند تر شهادت مجاهد مومن صادق شهید سید محمد واحدی است که خود در روز واقعه شهید طهماسبی را همراهی نموده واز نزدیک شاهد تمام مراحل اقدامات وی بوده است، ایشان در بازجویی مورخه ۳۰/۱/۱۸ چنین می گوید: « . . . من ایستاده بودم و چندان فاصله ای باخلیل طهماسبی نداشتم ناگهان دیدم که خلیل طهماسبی وارد خیابانی که از صفوف پاسبانها تشکیل شده بود شد و در عین حرکت از کمر خود اسلحه ای خارج نموده و نخست وزیر (رزم آرا) را از عقب سر مورد اصابت قرار داد . . . ۳»

بنابراین همانطور که ملاحظه شد گواهان متعددی علاوه بر دو نفری که نویسنده مزبور نامبرده است شاهد حرکت انقلابی شهید طهماسبی بوده اند در حالیکه احدی مدعی تیراندازی شخص دیگری بجز شهید خلیل طهماسبی نشده است.

ج - اما بین گفتار دو افسریاد شده (محبوبی و دانشپور) هیچ اختلافی نیست و هر دو بیان داشته اند که قبل از سوء قصد خارج مسجد بوده اند.

متن بازجویی ۲ افسر مذکور چنین است:

سرگرد محبوبی:

« . . . طبق دستور در سه راه ناصر خسرو ماموریت داشتم موقعیکه جناب نخست وزیر تشریف آوردند اداء احترام نموده مجدداً مشغول انجام وظیفه گردیدم پس از اینکه جناب نخست وزیر بداخل مسجد تشریف بردند پس از چند دقیقه بعد سرکار سرهنگ کدیور نزد بنده آمد و اظهار نمودند که

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام، قتل رزم آرا، ص، ۱۰۴۴.

۲. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام، قتل رزم آرا، ص، ۴۸۷.

۳. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده فدائیان اسلام، قتل رزم آرا، ص، ۱۰۴۴.



وزارت کثرت

دفتر ریاست کل کشور

۱۳۹

برگ بزرگ و صورت لغت

ردیف	موضوع	تاریخ	محل خدمت	نام خواننده	نام خواننده
		۱۳۹۱			

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این باب به استحضار می آید که در تاریخ ۱۳۹۱/۰۳/۲۱ در این دفتر  
 به شرح زیر عمل گردید:

۱- در خصوص ...  
 ۲- در خصوص ...  
 ۳- در خصوص ...

۴- در خصوص ...  
 ۵- در خصوص ...  
 ۶- در خصوص ...

از داخل مسجد صدای تیر آمد به محض شنیدن صدای این حرف بنده  
 بطرف مسجد دویدم . . .<sup>۱</sup>  
 سرتیپ دانشپور:  
 «در روز مراسم ختم مرحوم آیه ا... فیض که در مسجد شاه برقرار  
 بود، ...»

۱. مرکز اسناد انقلاب  
 اسلامی، پرونده فدائیان  
 اسلام، قتل رزم آرا،  
 ص ۴۲۸.

بنده پس از سرکشی در داخل مسجد در جلو پلکان مسجد در خیابان  
 ایستاده بودم و مراقب انتظامات بودم ...  
 دیدم ماشین نخست وزیر ... ایستاد و ... نخست وزیر ... از پله ها به  
 طرف پائین و داخل مسجد رفتند ... بنده هم در جلوی پله ها قدم می زدم  
 در همین ضمن سرهنگ کریور رئیس کلاتری انتظامی که ار هم مامور  
 جلوی پله ها بود به من گفت که تیمسار، بدوید می گویند توی مسجد  
 تیراندازی شده و یک نفر را کشتند.

بنده به مجرد شنیدن این حرف از پله ها بطرف مسجد دویدم جلوی  
 درب مسجد، دیدم مردم فرار می کنند، من به مامورین که آنجا بودند  
 دستور دادم فوری درب مسجد را به بندند و من خودم داخل مسجد  
 شدم . . .<sup>۲</sup>

۲. مرکز اسناد انقلاب  
 اسلامی پرونده ۷۰۳/۱۵۶  
 (فدائیان اسلام)،  
 ص ۳۱۷.

د... اما گواهی پزشکی قانونی نیز آشکار میسازد که ادعای تیراندازی به  
 دو طرف شانه رزم آرا، علاوه بر کم اهمیت بودن موضوع، سخنی کذب  
 و خلاف واقع است.

ونویسنده علی رغم دردست داشتن این سند برای توجیه اغراض  
 نادرست خود آنرا مطرح کرده است.  
 در این گواهی مذکور است:

«... ضمنا بایستی متوجه بود که از این سه گلوله [یکی] آن از طرف  
 چپ از ناحیه خلفی گردن وارد جمجمه شده و از پیشانی خارج گردیده و  
 دو گلوله دیگر از طرف راست اصابت و از سمت گوشه داخلی استخوان  
 کتف وارد و یکی از آنها از ناحیه گردن و دیگری از محوطه قفسه صوری از  
 زیر استخوان ترقوه رفته است . . .»<sup>۳</sup>

۳. همان مأخذ، ص ۳۴۷.

بنابراین متن اسناد فوق دلیل روشنی بر بی‌پایگی اجزاء این انگاره نیز می‌باشد.

اما از نکات دیگری که شبهه مذکور را جداً نامعقول و ناممکن نشان می‌دهد و مدعیان به ویژه کتاب «اسرار قتل رزم آرا» آنرا نادیده گرفته اند.

بازجویی و دستگیری ۴۳ نفر<sup>۱</sup> از افراد وابسته یا مرتبط با شهید طهماسبی و ماجرای اعدام انقلابی رزم آرا توسط عوامل رژیم است که منجر به محبوس شدن تعدادی از آنان و تحت تعقیب قرار گرفتن برخی تا دهه ۵۰ و حتی سال ۱۳۵۴ می‌شود.<sup>۲</sup>

در حالیکه اگر طرح و اجرای نقشه به هلاکت رسانیدن رزم آرا توسط رژیم صورت گرفته بود دیگر تعقیب و دستگیری در این سطح گسترده آنهم تا سالهای آخر عمر رژیم شاه چه ضرورتی داشت؟

بنابر آنچه تقدیم گردید باید اذعان کرد که اعدام انقلابی رزم آرا جز با همت عالی نیروهای اسلام و تایید الهی و پشتیبانی مردمی صورت پذیرفته و شبهات سست و بی اعتبار طراحان آن در ماهیت این واقعیت تاریخی خللی نمی‌تواند وارد کند.

در خاتمه مجدداً یاد آور می‌شویم که در شماره های ۳ تا ۶ مجله ۱۵ خرداد از زوایای گوناگون و دیگری این شبهه مورد نقد و بررسی قرار گرفته است که مراجعه به آنها برای علاقه مندان مفید خواهد بود.

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، برگه ثبت مشخصات پرونده ۷۰۳/۱۵۶.

۲. همان پرونده ۷۰۳/۱۵۶ جلد اول، صفحات ۷ تا ۵۰. به ویژه ص ۳۲.